

چون دلبر من بنزد فصاد نشست	فصاد سبک بجست و دستش در بست
چون تیزی نیش بر رله او پیوست	از کان بلور شاخ مرجان بر جست
چون اسب ب میدان طرب می تازی	از طبع لطیف سحرها می سازی
فرزین و شهو بیاده فیل و رخو اسب	خوب و سره طرفه و خوش می بازی
هر گه که دلم فرصت آن دم جوید	کز صد غم دل باتو یکی بر جوید
نامحرم و ناچنس در آن دم گوئی	از چرخ بیارد از زمین بر روید
آتش بوزید و جامه شوم بسوخت	وز جامه شوم نیمه روم بسوخت
برای بدم که شمع را بنشانم	آتش ز سر شمع همه موم بسوخت

در وصف گازر بچه

با ابر همیشه در هتابش بینم	جوینده آب و آفتابش بینم
گر مردمک دیده من نیشفت چرا	هر که کی نظر کنم در آتش بینم
تا کی زغم تو رخ بغون شوید دل	و آزر وصال تو بجان جوید دل
رحم آر کز آسمان تیبارد جان	بخشای کی از زمین نمی روید دل

## علم و اخلاق در مدرسه دخترانه

مقاله ذیل بقلم بانوی محترم ، مه لقا خانم میکده ، دخت آقای میرزا سلیمان خان والی سابق ایالت کرمان چندی قبل از کرمان واصل گردید ولی بواسطه تراکم مقالات وارد درج آن تا کنون بتأخیر افتاد . چون ما در نظر گرفتیم که برای متوجه کردن خانمها بقرائت مجله ، قسمتی از آنها بمسائل مربوطه بزنان ویا مقالانی که بقلم آنان نگارش می یابد مخصوص نمائیم ، اینک بخشی از مقاله بانوی محترم را که راجع بعلم و اخلاق شاگردان و اولیاء مدارس دخترانه است والبته بابصیرتی که دارند و مشاهداتی که نموده مرقوم داشته اند درج مینمائیم . (آینده)

« ... اگر خانمهای مملکت ، مادرای سواد مختصری شده اند از حیث اخلاق و زندگی گانی که مهتر از تحصیل است عقب رفته اند . وهم چنین نمیتوان تصدیق نمود که جوانان مملکت در تحصیل چیزهایی که مفید بحال مملکت باشد سعی وافی نموده و دارای مزایای برجسته شده اند و اگر بانظر دقت و منصفانه باخلاق عمومی ذکوراً و اناناً بشکریم می بینیم

که جز صورت بندی و ظاهر سازی و شیکگی و قشنگی هنر دیگری که سرمایه سعادت و نیک بختی ماباشد از آنها مشاهده نمیشود آن عادات و اخلاق ساده قدیمی را از دست داده و بجای آن ترقی و تعالی هم نیفتاده ایم و بلکه میتوان گفت در ضمن تحصیلات ناقصی تولید فساد اخلاقی در مغز و دماغ آنها نموده که اگر جسارت نباشد و قلم از تراکت خارج نشود جز رواج پارهٔ امراض مزمن و مسری که تشریح آنرا هم اجازه نمیدهد مزیت دیگری پیدا نشده است ... »

« ... از طرف دیگر خوشوقتم باینکه برای ترقی آتیه نسوان و تدارک سعادت آینده ایران تأسیس مدارس زنانه کلاسیکی شده و خانم‌های وطن از این مدارس دوازده کلاسه فارغ التحصیل بیرون خواهند آمد. یکن وضع کنونی مدارس نسوان بامشاهداتی که شده و بی به اخلاق و وضع تحصیلات دخترها برده هیچ رضایت بخش نیست: خانمهای محترم و دوشیزگانی که از خانواده های مختلف از اغنیا و فقراء در خط تحصیل افتاده ب مدرسه میروند بطور قطع و یقین عمده نظرشان فقط تفریح است و ایاب و ذهاب مدرسه را بکنوع تفریح برای خودشان قرار داده اند نه تحصیل آن ساعاتی هم که در مدرسه هستند تمام حواسشان متوجه باین است که به بینند آتروز چه لباس تازه بپوشند و یا جوراب کدام یک از خانمها قشنگ تر و «آلامد» تر است که ایشانهم بمنزل چون میروند پدر و مادرهای خودشانرا مجبور بخردن و تدارک لباس مد جدید نموده تاپوشند و در انظار خانمها نمایش داده و خجیل نشوند. حالا پدر و مادر های بیچاره بچه زحمت و مرارت باید تهیه پول لباس خانمرا بنمایند خدا داناست نه فقط دختران شاگرد مدرسه دارای این رویهٔ نا-طلبوع هستند بلکه معلمات و مدیرات پنجاه ساله نیز بهمین عادت و اخلاق سخیفه و هوا و هوس دختران بلکه میتوان گفت بیش از دخترها مراقب قشنگی و خودآرائی میباشند در ساعات تدریس هم که در سر کلاس نشسته

مشغول صحبت‌های خارج میشوند که در زمان میهمانی و یا در مجلس فلان عروسی چه لباس دیده شده و یادگرش عصرها در خیابانها چه چیزهای شیک و دلربا دیده‌اند. چیزیکه فوق العاده شایان تأسف است این است دخترانیکه از طبقه فقراء و مردمان بی بضاعت هستند از شنیدن این صحبتها و مذاکرات دخترهای اغنیا باینکدیگر يك حال اسفناکی به آنها دست داده حواسشان متفرق و از آنجا که در خودشان قوه و استطاعت همسری وهم آوازی با آنها نمی بینند باینک گرفتگی و اندوه و حال رقت آوری ساکت و صامت نشسته ولی حواسی برای تحصیل و درس باقی نمی ماند و باینک وضع ناگوار تحسیر آمیزی بمنازل خودشان میروند.

لدى الورود نزد مادرشان نشسته شکایت از نداشتن لباس نموده تقاضای جوراب مدشیک می نمایند اگرچه عرض این نکته قلم را از حدود نزاکت منحرف میسازد ولی محض تذکار ناچار از ذکر حقایق است. این قبیل دخترهای مردمان بی بضاعت از مشاهده این اوضاع و دیدن لباسهای شیک و شنیدن صحبتهای خانها حسرت میبرند و خون جگر می خورند و درانظار خفیف و خجل می شوند صرف نظر از اینکه از درس و تحصیل باز میمانند جای هیچ تردید نیست که کم کم يك نزلزل و لغزشی در عقیده و افکار آنها پیدا خواهد شد که آنها را از خط عصمت و عفت منحرف نموده خیالات فاسد که مخالف ناموس است در دماغ آنها قوت خواهد گرفت و رفته رفته تولید فساد اخلاق نموده و بواسطه سست عنصری و جنبه جهالت و نادانی از پرده حجاب خارج و خود نتوانند تازمام صبر و شکیبا را از دست داده تن پاره ای بی شرافتی ها میدهند و انوقت دیگر جلوگیری آنها از عهده پدر و مادر خارج خواهد شد با این دلائل محکم میتوان گفت که اولیاء امور زمامداران در تأسیس و پروگرام بمعنی از مدارس نسوان مطالبه و دقت کامل نفرموده و الا ممکن بود مقرر دارند لباس تمام شاگردان از اغنیا و فقراء را متحدالشکل و با رعایت اصول مساوات از پارچه های وطنی

ارزان تدارك نمايند در صورتیكه اين نكته را در نظر گرفته و صورت عملی پيدا نمايد البته هر كس تصديق خواهد نمود كه هم هواس شاگردان برای تحصيل متفرق نشده وهم از پيش آمد های ناگوار آنها جلو گیری خواهد ...»

مهلتاً ميكند

## تقریظ و انتقاد

# گاتها

### سرود های زرتشت

اخيراً آقای پور داود ترجمه و نگارش و طبع كتاب جدیدی تحت عنوان گاتها (سرود های زرتشت) پرداخته و نسخه ای از آنرا نیز برای اداره مجله آینده فرستاده بودند. برای اینکه تقریظ و انتقادی از آن در مجله آینده درج شود از آقای میرزا معینی مینوی خواهش شد كه كتاب را مطالعه نموده تقریظ انتقادیه را بنگارند. ایشان نیز زحمت را قبول و انجام نموده ولی بواسطه تنگی جا خلاصه از شرحی را كه نگاشته اند درج مینمائیم. زحماتی كه آقای پور داود در تحقیقات راجع بایران قدیم متحمل میشوند حقیقه قبل قدر دانست (آینده)



« كتاب گاتها شامل مناجاتها و راز و نیاز هائست كه زرتشت بزبان عسرو ولایت خویش نموده و آن مناجاتها مدتها سینه بسینه از سلف بخلاف رسیده و حفظ شده تازمانی نیز بقید تحریر درآمده و در ضمن قسمتی از اوستا كه باقی مانده بدست ما رسیده آقای پور داود آن مناجاتها را از روی ترجمه های مشرقین دانشمند فرنگی از فرس قدیم بزبان فارسی كتونی در آورده با چند فهرست در ۱۶۰ صفحه چاپ نموده بساین طور كه در صفحه دست راست متن اوستا را بهمان خط اوستائی (دین دبیره) و در صفحه